

# اداره سالم از دیدگاه اسلام

نویسنده: انجنیر محراب الدین "جويا"

کمپیو ترايز: شريف الله "شفق"

تاریخ نگارش: ۱۳۹۱

تاریخ طبع: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نمبر تماس نویسنده: ۰۷۰۰۷۱۸۹۴۹

حق طبع محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

### عناوین

#### مقدمه

۱. انسان های با ایمان و نقش شان در ایجاد نظام سالم
۲. الگو های عملی اداره سالم
۳. یافته های مقایسوی اداره سالم و ناسالم
۴. اداره سالم و انتقاد پذیری عملی
۵. اداره سالم و موقف آن در برابر ستمگری و استبداد
۶. اداره سالم و مساوات در تطبیق حکم خدا (ع)
۷. اداره سالم و جدیت در تنفیذ قانون الهی
۸. اداره سالم و ترس مسئولین آن از مسئولیت ها
۹. فساد اداری امروز نتیجه عدم پای بندی مسئولین به قوانین الهی و مداخلات خارجی
۱۰. چرا افراد صادق و دلسوز به انزوا کشانیده می شوند؟
۱۱. اداره سالم و ضرورت به انقلاب
۱۲. نظام سالم در تأمین عدالت اجتماعی و امانت اداری و مثال های زنده آن
۱۳. بشریت دور از حق و صدای وجدان آنها
۱۴. راه نجات کافه بشریت از بحرانات فکری و تأسیس اداره سلیم فقط و فقط رفتن آگاهانه علمی و عملی در مسیر خط و مش پیامبر خداست و بس.

## مقدمه

این یک حقیقت مسلم و انکارناپذیر عینی بوده و می باشد که در کشورمان افغانستان فساد اداری (رشوه و رشوه ستانی، پذیرش واسطه ها، تملق و چاپلوسی و سایر امور غیر انسانی و غیر اسلامی) بیداد می نماید و با وجود ایجاد یک اداره بنام کمیسیون اصلاحات اداری و اداره دیگری مسمی به مبارزه بر ضد ارتشا و فساد نه تنها به حل این معضل بزرگ اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی فایق نیامدیم، بلکه در تحت این عناوین و القاب، ساحه فساد بیشتر از پیش وسعت و گسترش یافته است و با سردادن شعارها و سخنرانی های نفسی و نمایشی عده از مسئولین امور و سران ادارات دولتی و غیر دولتی این پدیده شوم فساد، بطور روز افزون گسترش بی سابقه یی یافته است. و برخلاف دستور پیامبر خدا که در رابطه فرموده: (لعنة الله على الراشي والمرتشي) لعنت خدا باد بر رشوه دهنده و رشوه ستاننده، بالهای ننگین و شرم آورش را در تمام ساحات و مناطق کشورمان پهن نموده است.

تاجائیکه تحت پوشش ریفورم نامنهاد انسان های با شخصیت و مجرب از کار و وظیفه برکنار شده و در عوض اشخاص پولدار و واسطه دار با وجود عدم لیاقت و کارآیی جابجا گردیده می روند. این خود نمایانگر آنست که ما از دستورات اسلام عزیز و روش سرور کائنات در عمل و نظر انحراف ورزیده و فقط مطابق مصلحت بینی های ناقص مان در سیر و سفر هستیم، در حالیکه خداوند متعال جل جلاله می فرماید: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْتِكُمْ لَأَكْثَرُ فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) پاره ۲ آیه ۱۸۸ ترجمه: مخورید اموال خویش را بناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان یعنی به رشوت تا بخورید پاره اموال مردم را به ستم، دانسته.

خداوند متعال فرمان می دهد که اموال یکدیگر را بناحق نخورید و آنرا به حاکمان و صاحبان چوکی طور رشوه ندهید تا اینکه در اثر آن حقوق دیگران پایمال نگردد و در حالیکه شما خوب می دانید.

و رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: (قبر برای مؤمن باغ سبزی است که وسعت آن هفتاد ذراع است و صورتش مانند ماه در شب چهاردهم می درخشد، آیا می دانید آیه (فان له معيشة ضنكا) در باره چه کسی نازل شده است؟) اصحاب عرض کردند که خدا و رسولش داناترند، آن حضرت فرمود: (این آیه در باره عذاب کافر در قبرش نازل شده است که نودونه اژدها بر او مسلط می شوند، آیا می دانید؟ اژدها چیست؟ نودونه مار است که هریک از آن ها نُه سردارد، او را می گزند و می لیسند و در جسمش می دمند تا روزی که زنده میشود).

امام محمد غزالی (رح) در کتاب الاربعین می فرماید: (این اژدها در روح مرده وجود دارد نه در جسمش - این اژدها قبل از مرگ با او بوده و در باطنش جای گرفته است، ولی چون در زندگی مادی، شهوات بر او غالب گشته و بی حس و تخلدیرش کرده اند، نتوانسته است گزیدن و زخم زدن آنها را احساس کند، اما بعد از مرگ که شهوت ها از بین رفته اند و روح فراغت و مجالی را پیدا کرده، احساس درد می کند و باید دانست که ترکیب این اژدها از اوصاف و اخلاق بدی است که در انسان وجود دارند و سرهای اژدها به اندازه اخلاق بد (چون رشوه ستانی و سایر

رذایل اخلاقی) و علاقه های است که به متاع دنیا در وی موجود اند و محبت دنیا اصل اژدها و اوصافی که از آن ناشی می شوند، مانند تکبر، حسد و کینه جویی و ریاکاری و فخر به ثروت و حيله گری و فریبکاری (رشوه ستانی) و جاه طلبی و دشمنی و غیر اینها سرهای اژدها هستند و چشم بصیرت است که می تواند این حقایق را تشخیص دهد ولی منحصر بودن سرهای اژدها به عدد نود و نه چیزی است که فقط نور نبوت توانایی تشخیص آنرا دارد.)

با در نظر داشت مفهوم آیه فوق الذکر و حدیث مبارک پیامبر مان صلی الله علیه و سلم همانا گزینش اشخاص نااهل و ناسالم در رأس امور سبب این همه بدبختی و فساد روزافزون شده است و عملکرد های غیرمسئولانه همچو اشخاص سبب نزول عذاب خدا (ج) گردیده و باشکال مختلف اعم از ناامنی های وحشتناک و کشت و خون های متمادی و پی در پی قلوب ملت ما را آزرده و طعم تلخ و زشت مصیبت ها را می چشیم و انواع مظالم بر ما و اجتماع ما تحمیل می گردد. و هیچگاه با دیدن هزاران در هزار خون ریزی ها و درد و الم گوناگون بخود نیامده و از اشتباهات مان کوچکترین انتباهی نگرفته و به همان شیوه های کهنه و زنگ زده و بدرد نخور گام برداری سریع می نمایم.

جای شک نیست که حضور قوت های خارجی در وطن مان در ازدیاد روحیه رشوه ستانی و فساد اداری نقش بس مؤثری را داراست.

اما نباید فراموش کرد که تمسک جستن به قرآن و سنت سبب اضمحلال و سقوط کلیه نیات و روش های فاسد می گردد.

اگر ما از سنت و روش عملی پیامبر اکرم (ص) پیروی نمایم که رحمت بر همه عالمیان است - طبق فرموده پروردگار : ( و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین ) نفرستادم ترا مگر رحمت بر تمام عالمیان .

مسئلاً با اتباع از آنحضرت که طیب معنوی تمامی دردهای بی درمان و منجی حقیقی و اصلی عالم بشریت از تنگنای تاریکی های شرک، کفر، بی عدالتی ها، ظلم، استبداد و سایر زشتی ها و آلودگی ها می باشد، به این درد بی درمان فساد هم نقطه پایانی گذاشته خواهد شد. به شرطیکه ما به عقل ناقص و مصلحت بین خویش خاصتاً زعما قانع نشده، بلکه عقل را در اتباع شریعت رسول الله (ص) محصور بسازیم و با عقیده راسخ و ایمان قوی به قرآن و فرموده های رسول گرامی اسلام چنگ بزنیم و اقلماً این انگیزه و نیت در قلوب مسولین و تحصیل کردگان و غیر آن ایجاد گردد که مواقف را نه بمنظور جمع آوری مادیات و ثروت اندوزی و تحصیلات را نه بخاطر تکمیلات زندگی شخصی و فردی، بلکه به غرض خدمتگذاری به مردم مظلوم و محروم این مرز و بوم، آنها را بخاطر کسب خوشنودی پروردگار (ج) بایست بکار ببریم و از پیامبران اطاعت و فرمان برداری نمایم که در مدت سیزده سال در تعلیم و تربیه اصحاب مبارک شان کوشیدند و انسان های وارسته و دارای نفس های مطمئنه به جامعه تقدیم کردند و بعد از سلامت قلوب و مغزها از آفات غیرالله آنها را در راس رهبری و زعامت قرار دادند که نه تنها رسول خدا به آنها افتخار نموده و می فرماید: (اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم)، (اصحاب من مانند ستاره های هدایت اند بهر کدام شان که

اقتدا نمایند، راهیاب می شوید). بلکه اصحاب کبار نیز بنا بر اعتماد به یکدیگر و الگو و نمونه بودن شان در همه ابعاد می فرمایند:

**(یا ایها الناس کونوا مثلنا)** ای مردم مانند ما باشید.

پس بیاید قضاوت عادلانه و همه جانبه نماییم که در این زمانه ما به که و کدام کس افتخار نماییم و کدام شخص را طور الگو و نمونه به خودمان و جهانیان معرفی بداریم!!؟ بدون شک ما در این راستا کاملاً ناکام بوده و کدام الگو و نمونه را خصوصاً از حاضرین در صحنه معرفی کرده نمی توانیم.

پس بیاید یک بار دیگر پیمان بندیم و تعهد نماییم و تجدید ایمان کنیم که ما من حیث یک پیرو موفق و موثق رسول الله (ص) بایست عرض وجود نماییم و در درون و بیرون مان تحول عمیق و بنیادی و کیفی رونما سازیم و از تعصب های بی جا و بی مورد و بر حق دانستن خود و ناحق پنداشتن دیگران پرهیزیم، بخدای مقتدر و توانا عرایض مانرا با همه فروتنی و تواضع و اشک ریزی در دل شب پیش کش نماییم تا ما شکست خوردگان دنیای بیرونی و درونی را از این حالات آشفته و پریشان و نا مطلوب بصوب حالات مطلوب (سعادت و پیروزی) جهت دهی فرماید، یعنی در بیرون دشمنان اسلام ما را به شکست مواجه نموده اند و در دنیای درون مان شیاطین و وساوس آنها قلوب مانرا تصاحب نموده است. مولوی "ح" می فرماید:

ای شهان کشتیم ما خصم بیرون      ماند از او خصمی بتر در اندرون  
کشتن این کار عقل و هوش نیست      شیر باطن سخره خرگوش نیست

بناءً بر ما لازمست افتخار نماییم به چیزیکه پیامبران افتخار نموده و به راهی برویم که آن مبارکان عملاً رفته اند و افتخارات بس عظیم معنوی را بما ماندگار گذاشته اند و آن عبارت از تقوا و عفت و پاکی و بی آلایش بودن و به ساده گی زیست کردن ایشان و علی الخصوص که در راس رهبری و زعامت قرار می گرفتند، بود- اما خدمتگذار به انسانیت بودن شان در همه مواقع و مقاطع زمانی.

اگر اداره سالم و دور از هر گونه دغا و دغل و فریبکاری و عاری از هر نوع تملق و چاپلوسی و سفارش های مغرضانه را خواهانیم، بایست انسان های سلیم، پاکدامن و با ایمان و با تعهد و تخصص را که اهلیت کار را بخوبی داشته باشند، در راس زعامت و رهبری قرار دهیم و از انسان های بی ایمان و بی تعهد و آلوده به خیانت و رشوه ستانی همانست که می بینیم (از کوزه همان تراود که هست)، و نتایج کار کرد شان نه تنها هر کس را در هر جا به شکوه و شکایت و ناراض بودن از این وضعیت کنونی وا داشته بلکه سر و صدای آن همه دنیا را فرا گرفته و باصطلاح جهانشمول از نگاه فساد شده است!؟

حالا فرموده های پیامبر رحمت را بگوش دل در این رابطه می شنویم:

رسول الله (ص) فرمودند: (کسی که در وقت صبح فقط به فکر دنیا باشد و برای آن بکوشد، خدا کارش را پراکنده و پیشه اش را مختل می سازد و تنگدستی را در نظرش مجسم می کند و از ثروت دنیا آنچه برایش مقدر شده است - به وی میرسد و کسی که کار روزانه را به قصد آخرت شروع می کند، خدا خاطرش را جمع و پیشه اش را حفظ می کند و بی نیازی را در دلش جای می دهد و دنیا با فروتنی بسویش می آید).

(بسیار خوب است مال حلال برای مرد صالح)

(محبت دنیا سر آغاز تمام گناهان است)

(محبت مال و مقام نفاق را در قلب می رویانند، چنانکه آب سبزه را می رویاند)

و هم فرمود: (اگر دو گرگ درنده را در آغل گوسفندان رها کنند به این اندازه فساد وارد نمی کنند که محبت مال و مقام در دین مسلمانان بار می آورند)

(مالی که مرد با دادن آن آبرویش را حفظ کند، برای او صدقه و احسان محسوب می شود)

حال بر می گردیم به موضوع اداره سالم از دیدگاه اسلام که طور بسیار فشرده و مختصر بیاری پروردگار ذوالمنان والاکرام به رشته تحریر در آمده است.

الهی! ما، ملت مسلمان و مظلوم ما، زعما و بزرگان ما و تمامی ملت های مسلمان و حتی کافه بشریت را منور به نور ایمان و قادر به درک حقیقت دین و مجهز به فهم روح مطلب، ایجاد اداره سالم در پرتو دستورات محمدی (ص) طوری نمایی تا همه بندشها و سدود را با بینش ایمانی پیش بین بوده و موفقانه و مومنانه بتوفیق پروردگار از آن عبور و با صفاییت و معنویت خاص در پرورش شخصیت های معنوی و روی صحنه آوردن شان و اعمار و ایجاد و ابقا ادارات سالم و هدفمند آبرومندانه بدر آییم.

## ۱) انسان های با ایمان و نقش شان در ایجاد نظام سالم :

(ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها) "نساء - ۵۸"

(بی گمان خداوند<sup>(ج)</sup> به شما دستور می دهد که امانت ها را به صاحبانشان برسانید)

کما قال رسول الله (ص): «اذا وسد الامر الی غیر اهله فانتظر الساعة» (بخاری)

(وقتی کار به شخص که شایستگی اش را نداشته باشد، موکول شود، منتظر ظهور قیامت باش).

طور بسیار فشرده باید گفت که اداره سلیم و دور از هر گونه تخطی و تعدی یا عباره دیگر عاری از رشوه دهی و رشوه ستانی و پذیرش واسطه های مغرضانه و فارغ از هر گونه طمع و توقع غیر مشروع مادی یا خلاصه اینکه کارشکنی و تعطیل بی مورد کارها و منتظر گذاشتن مراجعین و دروازه را بروی حاجتمندان بستن (فساد و کساد اداری) زمانی بوجود خواهد آمد که انسان های سلیم القلب در رأس رهبری اجتماع بشری قرار گیرند و ایمان در قلوب شان حکومت نماید و قانون خدا را اولاً بالای خود و مربوطین خود و سپس بالای اجتماع نافذ سازند، خود شناس و خدا شناس باشند، تشخیص جهت شان بطرف خدا (ج) باشد نه غیرالله، دارای اهداف بلند معنوی و ایمانی باشند، محبت شان نسبت به هر چیز به خداوند (ج) شدید باشد (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ)

انگیزه های باطنی و آوازه های خیر و شر را دقیقاً طور تحلیلی بشناسند و در عمل عمیقاً مراقب و مواظب آن باشند، طول امل (آرزوهای دور و دراز نفس) را شناسایی نموده بتوانند و در برابر هواجس یا خواسته های غیر لازمی نفس مبارزه دوامدار و خستگی نا پذیر نمایند، هدف خلقت شان را از نگاه اسلام و اینکه چه مسوولیتی در قبال آن دارند طور علمی فهمیده و به شیوه عملی بخاطر رفع این مسوولیت خطیر هر آن و هر لحظه دست اندر کار گردند، دنیا و مافیهای آنرا و همچنان کشش ها و جاذبه های مادی و معنوی را که انسان همواره به آنها دست و گریبان می باشد، قبل از رسیدن به پست و چوکی درک نموده باشند، فتنه ها و مشکلاتی را که در حین رسیدن بیک مسوولیت بالای دامنگیر هر کس در هر جا می شود، پیش بین بوده، همانگونه در برابر چالاکان اجتماع که اکثرأ متملقین (چاپلوسان) و زمینه سازان به انواع و اشکال مختلف جهت عادت دادن مقامات به تحفه (رشوه) یعنی بخاطر معتاد ساختن مسوولین رشوه را در تحت نام تحفه تقدیم می کنند، بیدار باشند و یا اینکه بعضاً دوستان و استفاده گران از چوکی او سو استفاده می نمایند، خلاصه اینکه اداره و جامعه سلیم و دور از هر گونه ظلم و ستم و خیانت و چپاول گری وقتی به ظهور خواهد رسید که دوستان بر حق خدا (ج) و کسانی که از علوم معاش و معاد بهره مند باشند و در پهلوی دانستگی و فهمیدگی تربیت یافته باشند و نور ایمان در قلوب شان روز بروز تمکن بسزایی یافته باشد و دارای دید وسیع توحیدی و بینش و فراست ایمانی بوده و مجهز به تحلیل و تجزیه قضایای داخلی و خارجی و همانگونه به مداخلات مخفی و علنی دشمنان اسلام و استعمارگران دقیقاً آگاهی داشته و عندالموقع در برابر اینگونه دسایس تدابیر لازم اتخاذ نموده بتوانند، در رأس رهبری و زعامت قرار گیرند.

اداره سالم و نظامی که عاری از اشکال و انواع معایب ظاهری و باطنی باشد پیامبر خدا (ج) حضرت محمد (ص) ، خلفای راشدین ، اصحاب کبار و سایر بزرگمردان بعدی علماً آنرا ترسیم و عملاً تطبیق فرمودند .  
بجاست تا غرض و وضاحت موضوع و روشن شدن هر چه بیشتر این حقیقت، در رابطه به تأثیر گذاری بسیار مؤثر شخصیت های وارسته و تربیت یافته گان مدرسه نبوی در ایجاد و تأسیس اداره سالم مثالی را ارائه بداریم .



حضرت عمر (رض) به تعداد از اشخاص که به عنوان عاملین به جایی می فرستاد خطاب به آنها نموده و می فرمود: (من شما را بر امت محمد (ص) از این جهت عامل مقرر نساختم ام که شما بر موی و پوست آنها قابض شوید، بلکه شما را باین منظور مقرر می نمایم تا نماز را بر پا کنید، در میان مردم با حق فیصله کنید و حقوق آنها را بر اساس عدالت تقسیم نمایید).

## ۲) الگوهای عملی اداره سالم:

خطبه های حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر (رض) نیات شانرا که ناشی از اهداف بلند معنوی ست، در اولین وهله رسیدن بخلافت کاملاً وضاحت بخشیده و در کارزار سخت امتحان زندگی و آنهم در رأس رهبری مسلمانان عملاً باثبات رسانیدند که چگونه و چطور و روی کدام استراتژی بلند ایمانی و توحیدی آرمان خودها را به توضیح گرفته و مردانه وار و با همه سرفرازی و سربلندی پیروزمندانه بدر آمده و نصرت ایزد یکتا شامل حال شان گردید و در هیچ مقطع از مقاطع زمانی از خود ضعف نشان ندادند، بلکه در همه حالات ضعیفی و یا قدرتمندی، خانه داری و بی خانگی فقیری یا ثروتمندی، مجرد یا تأهل، هجرت و جهاد، مریضی یا صحتمندی، جوانی یا پیری خلاصه در همه احوال حیات، قدرت و استعداد جذب نصرت خداوند (ج) را پیدا نموده و با عزت و با وقار که شایسته دوستان برحق خداست، زیست نمودند.

بجاست تا خطابه های آن دو شخصیت بزرگوار را که نظر به تعقیب آگاهانه و مخلصانه و صد در صد شان در عمل و نظر از خط و مش پیامبر بزرگوارمان و هم قرابت با آنجناب بنام شیخین معروفند، تذکر دهیم .  
و از آن درس بگیریم که چگونه در آوردن اداره سالم، مؤثریت بس بزرگ را دارا می باشند .

حضرت ابوبکر صدیق (رض) در نخستین بیانیه ای که در مسجد نبوی بعد از بیعت عمومی ایراد کرد، فرمود:  
من بر شما حاکم مقرر شدم در حالیکه من شخص بهتر از شما نیستم، قسم به ذاتیکه روح من در دست اوست، این مقام را بر مبنای آرزو و خواهش خود اخذ نکرده ام و نه می خواستم خلافت به عوض شخص دیگری بمن برسد، نه از خدا برای کسب آن دعا کرده ام، نه در دل من گاهی حرص آن سرزده است، من این مقام را با دل نخواسته از این جهت پذیرفتم که مرا اندیشه ایجاد فتنه اختلاف در بین مسلمانان و هم فتنه ارتداد در بین اعراب بود، برای من راحتی در این مقام متصور نیست، بلکه این بارسنگینی است که بر من گذاشته شده است و کشیدن آن در توان من نیست، مگر اینکه پروردگارم بامن یاری کند. من آرزو داشتم عوض من کسی دیگر این بار را بدوش کشد، اکنون نیز اگر شما خواسته باشید کسی دیگر را از جمله اصحاب پیامبر برای این کار برگزینید، بیعت من حایل راه شما نخواهد شد.  
اگر شما مرا به معیار رسول الله انتخاب کنید و توقعاتی از من داشته باشید که از پیامبر داشتید، من توان آنرا ندارم، چه او از شیطان محفوظ بود و بر او از آسمان وحی فرو فرستاده می شد. اگر من کارهای احسنی انجام دهم با من یاری کنید و اگر کارهای ناشایسته انجام دهم مرا به راه درست رهنمونی کنید، راستگویی امانت است و دروغ خیانت .

آنکه ناتوان ترین شما است، برای من نیرومند می باشد تا آنکه من حق او اعاده کنم اگر خدا بخواهد و آنکه نیرومندترین شماست نزد من ناتوان است تا جایکه از او حق وصول کنم، اگر خدا خواهد. هرگز هم چنین نشده که ملتی مساعی در راه خدا را ترک کند و خداوند ذلت و ناتوانی را بر آن ملت طاری نساخته باشد و در بین ملتی فواحش رواج یابد و خداوند (ج) آنها را به آسیب عمومی مبتلا نساخته باشد. از من اطاعت کنید تا قتیکه من از خدا و پیامبرش مطیع و فرمانبردار باشم و اگر من از خدا و پیامبرش نافرمانی کنم ذره یی از اطاعت من بر شما نیست. من پیروی کننده ام نه تعیین کننده راه جدیدی .

و حضرت عمر (رض) طی خطبه چنین گفت :

مردم ! هیچ حق دارنده در حق خود تا این درجه نرسیده که در معصیت خداوند از او اطاعت شود...  
مردم ! حقوقیکه بر من و شماست ، به شما بیان می کنم ، شما بر اساس آن از من می توانید بازخواست کنید.  
بر من این حق شماست که از عایدات شما یا فی اعطا کرده خداوند چیزی را وصول نکنم مگر مطابق قانون و از من بر شما حق است که مالیکه باین طرح بدسترس ام قرار می گیرد از آن چیزی را بیرون مکنید مگر مطابق حق .  
با در نظر داشت مفاهیم خطابه های حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر رضی الله عنهم که بدون شک در کلمات مختصر مفاهیم بس بزرگ در همه ابعاد (عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و خاصاً آزادی مشروع در میان خلیفه و مردم) به نظر رسیده و در اولین وهله به مردم حق داده می شود که در صورت تخلف از اوامر قرآن و سنت پیامبر ذره یی از اطاعت من بر شما نیست .

در این جا دو مثال زنده و عملی از کارنامه های بر حق پیروان راستین مکتب محمدی (ص) را تذکر می دهیم که الگو و نمونه بودن شان در همه اعصار خاصاً در عصر حاضر با ثبات می رسد:

باری حضرت عمر (رض) و حضرت ابی کعب (رض) در مساله ای اختلاف پیدا کردند و هر دو حضرت زید بن ثابت (رض) را به عنوان قاضی مقرر ساختند، جانبین به حضور زید حاضر شدند، زید برخاست و از حضرت عمر (رض) خواهش کرد تا به جای او قرار گیرد، اما حضرت عمر (رض) با ابی نشست و قاضی در قسم دادن تأمل نمود و حضرت عمر (رض) خود سوگند یاد کرد و در خاتمه مجلس گفت : زید عهده قضا را نمی تواند ایفا کند تا و قتیکه عمر (رض) و یک مسلمان عام نزد او یکسان قرار نگیرند.

هنگامیکه حضرت عمر بن عبدالعزیز به مقام خلافت رسید، هیئاتی از خراسان با وی ملاقات کرده، شکایت نمودند که هزاران تنی که مسلمان شده بودند به پرداخت مالیات مجبور شده اند و گستاخی والی باین حد است که علناً می گوید : (یک نفر از قوم من نسبت به صد نفر از اقوام دیگر برایم گرامی تر است). به همین دلیل موصوف الجراح بن عبدالله الحکمی را از استانداری معزول ساخت و طی فرمانی نوشت که : (خداوند متعال محمد (ص) را به عنوان داعی فرستاد و نه به عنوان حاکم).

### ۳ یافته های مقایسوی اداره سالم و نا سالم :

بشریت دور از اسلام بایست سر به گریبان تفکر فرو برده و وجدان شان را بیدار نموده و آزادانه قضاوت نمایند که با همه سردادن شعارهای دور و دراز و مصارف مبالغه هنگفت بخاطر آوردن دموکراسی آنهم در لفظ که هیچگاه جنبه تطبیقی و عملی تا هنوز پیدا نکرده است و با همه لفاظی و مردم فریبی و دفاع از حقوق بشر و قانون مدنی، مظلومان را ظالمان لگد مال می نمایند و اضطراب و نا امنی های درونی و بیرونی در قلوب متمدن نماهای بی دین و بی ایمان بیداد می کند و از اثر همین بی امنی ها و ناراحتی های درونی و وجدانی است که تهاجمات وحشیانه و بس خطرناک و بی مورد از طرف ابر قدرت ها و صاحبان زور و زر و برخوردار از پیشرفت های تکنیکی بر ممالک مستضعف در طول تاریخ صورت گرفته و هنوز هم صورت می گیرد.

اما پیروان بر حق رسول الله (ص) چگونه و با چه بیان ساده، زیبا و پرمفهوم خط و مش خود را در فضای کاملاً آزاد و انسانی و بدون کمترین تهدید با صراحت لهجه بیان فرمودند و زمینه های انتقاد را از طرف مردم بر خود هموار نموده و خودشان انتقاد پذیر بودند. و با ثبات رسانیدند که در راستای اخذ مسوئیت (خلافت) حریص نبوده، بلکه از مسوئیت گریزان اند و در بخش سیاست آنقدر با صلابت اند که قوی نزد شان ضعیف در صورت تخطی اش و ضعیف نزد شان قوی تا اینکه حق او بستانند و اصلاً ظالم و مظلوم در نظام بر حق اسلامی وجود ندارد.

بشریت دور از اسلام و همچنان آنانیکه در لباس اسلام مرتکب جنایات شده و لطمه بس بزرگ به دین و دینداران وارد می کنند، باید بدانند و متوجه شوند که نظام ساخته دست بشر با کنار گذاشتن نظام الهی زیان های بی شماری را دیده اند و در وهم بی واقعیت طوری افتیده اند و در گرداب هلاکت فرو رفته اند که گویا نفع و سود را بیشتر از آنچه خدا خواسته است می برند! العیاذ بالله.

بناءً (جهان امروز دچار بحران های فکری و اجتماعی است و در اوضاع و شرایط و سیستم ها و قانون های خود دچار مشکلات و ناراحتی های گشته و در هیچ نوع نظام حکومتی و اجتماعی آرامش واقعی راه نیافته است و بی شک این بشریت همچنان در این پرتگاه پر خطر پیش خواهد رفت و همچنان در گنداب تمدن مادی دور از خدا غوطه ور خواهد شد تا آنکه اسلام زمام امور را بدست بگیرد و بشریت سرگردان را به سوی عدالت، صلح، هدایت و سعادت دلخواه آدمی سوق دهد.)

غرض مقایسه حاکمان امروز و کسانیکه با همه ادعای دانش و چهره نیکوی آدمیت دست به جنایات ننگین و شرم آور می زنند و خود ها را مترقی و پیش رفته هم می دانند با پیروان مؤثق رسول الله که در روشنی ایمان در حرکت اند یا به عباره دیگر ایمان و نور آن در قلوب شان حکومت می نماید، مثالی را در اینجا از ابوبکر صدیق (رض) ارائه می داریم.

حضرت ابوبکر صدیق (رض) هنگامیکه عمر و بن العاص را جهت مأموریتی نظامی به سوریه و فلسطین اعزام می داشت ، هدایاتی به او ارشاد داشت و طی آن فرمود:  
ای عمرو! در همه کارهای آشکار و پنهانی خود از خدا بترس و از او خجمل شو چه او ، تو و هر عمل ترا می بیند . . . . کارت را برای آخرت انجام ده و در هر عملت رضای خدا را در نظر دار ، با رفقای خود طوری برخورد کن که گویی آنها فرزندان تو هستند ، راز مردم را افشا مساز و بر اساس ظواهر با آنها معامله کن . . . . خود را خود اصلاح کن ، رعیت تو نیز اصلاح خواهد شد.

#### 4) اداره سالم و انتقاد پذیری عملی:

اداره سالم اسلامی آنگاه روی صحنه خواهد آمد که رهبر آن انتقاد پذیر بوده و از تکبر و خودخواهی و خود کامگی کاملاً بدور باشد و همه مسوولین آن در هر موقف و مقامی که باشند از مرکز رهبری اطاعت بدون چون و چرا نمایند به شرطیکه رهبر و زعیم آن اداره ، مطابق قرآن و سنت رسول الله (ص) حرکت نموده و عمل نماید.  
چنانچه وقتی حضرت عمر (رض) ایراد بیانیه می نماید در جایی از آن اینطور تذکر می دهد ، تا زمانیکه من از قانون خدا و سنت رسول الله پیروی و اطاعت نمایم ، اطاعت من بر شما جایز است و در غیر آن اگر به بیراهه رفتم مرا راست و درست نمائید .

یکی از حضار (از زمره اصحاب کرام) بپا می خیزد که ای عمر! اگر تو از امر خدا و رسول الله انحراف بورزی ، باین شمشیر ترا راست و درست می کنم ، عمر (رض) بدون اینکه برآشفته شود ، شکر می کشد که در امت رسول الله (ص) شخصی است که در صورت انحراف عمر او را به شمشیر راست و درست میکند.  
در جایی دیگر می بینیم که حضرت عمر (رض) برای زیادت مهر حد و اندازه معین را در یک مجلس صحابه (رضی الله عنهم) تقدیم کرد ، البته این یک حدیث مشهور است و در این هنگام یک صحابه در همان مجلس حضور پیدا نموده و نظریه خویش را چنین اظهار می نماید ، وقتی که قرآن کریم کدام اندازه معین در مهر مقرر نکرده ، پس حد و اندازه معین در مهر گنجایشی ندارد. با شنیدن این دلیل عمر (رض) رأی خود را پس می گیرد و می فرماید: (این زن راست می گوید).

#### 5) اداره سالم و موقف آن در برابر ستمگری و استبداد:

همچنان در اداره سالم اسلامی و در نظامی که در قلوب زعما و رهبران آن ایمان حکومت بکند ، بدون شک دفاع از مظلوم صورت گرفته و به ظالم چانس ظلمش کاملاً کاهش می یابد.

طور مثال: از ابی مسعود انصاری، نقل شده که گفت: (من غلام خود را زدم و از پشت سر صدای شنیدم که می گفت: ای ابو مسعود! خداوند نسبت به تو بسیار توانا تر است تا تو نسبت به او، دیدم که پیامبر خداست و گفتم: این غلام در راه خدا آزاد است و پیامبر خدا فرمود: اگر این کار را نمی کردی مستحق آتش دوزخ می شدی و یا آتش به جانت می رسید.

نظام و اداره اسلامی که در نتیجه انقلاب اسلامی ایجاد می گردد، علیه همه طواغیت زمان مبارزه می کند، علیه ظلم و ستم، علیه فساد و خودخواهی و سرکشی و عصیان، انقلابی که حتی حکام و سلاطین را از هر گونه امتیاز اضافی و نامشروع باز می دارد و هر گونه سلطه را از میان می برد، زیرا این انقلاب در تمام امور و قوانین کارها را به خدا بر می گرداند.

چنانچه در صدر اسلام بعد از تعیین آمرین، والیان و غیره مسئولین آنوقت از طرف خلیفه به ایشان توصیه های خیلی ها خردمندانه و در پرتو ایمان داری صورت می گرفت که فشرده وصایای شان را تطبیق دستورات پروردگار مبنی بر ایجاد فضای عدالت اجتماعی و تأمین امنیت و گرفتن حقوق ضعفا از اقویا و دوری آمرین و زمام داران از تجمل پرستی، خوش خوری و خوش پوشی و سایر خوشبختی ها را دربرداشت، چنانچه حضرت علی (کرم الله وجهه) زمانیکه مالک اشتر (رض) را نامزد حکومت مصر ساخت، در ضمن دستورات و وصایای که برایش نمود، اینطور فرمود: (مکرراً از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: سعادت مند و خوشبخت نمی شود آن مردمی که حقوق ضعفا را از اقویا بدون تردید و تأمل نگیرد).

## ۶) اداره سالم و مساوات در تطبیق حکم خدا (ج):

در اداره سالم که تنها اسلام به ارمغان آورنده آنست، به تطبیق قانون خدا و جاری کردن حدود الهی بسیار جدی و قاطع می باشد ولو که بالای خود و یا نزدیکترین کسان هم باشد.

طوریکه خدا (ج) می فرماید: (من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکفرون من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظلمون و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفسقون) (المائده - ۴۷، ۴۵، ۴۴)

ترجمه: (هر که حکم نکند بآنچه خدا فرو فرستاده است، پس ایشانند «نا معتقدان، ستمگاران و بدکاران»). و در صورت عدم تطبیق حکم خدا در موارد مختلف و گوناگون حیات، عتاب پروردگار و حتی قهر و غضب خدا (ج) شامل حال همان زعما و رهبران و بالآخره جوامع مربوط می گردد.

کسیکه قانون خدا را در سرزمین خدا بالای بندگان خدا در حالیکه در رأس رهبری و زعامت هم قرار داشته باشد و یا به نحوی از انحا قدرت عملی نمودن حکم خدا را داشته باشد، اما در تطبیق آن اغماض بورزد، بنام های کافر، ظالم و فاسق، خدای عیان و نهان به او خطاب می نماید که این خود نشاندهنده آنست که در صورت عدم

تطبیق حکم الهی قهر پروردگار شامل حال همان زعیم و بالآخره همه ملت و مردم میگردد و به شکل از اشکال آنها مورد تعذیب خداوندی قرار می گیرند .

مسلماً یک واقعت انکار ناپذیر است که از مدت ها بدینطرف حکم خدا(ع) طوریکه ایجاب می نماید و آنطوریکه می شاید در وطن عزیز مان افغانستان مورد اجرا قرار نمی گیرد و صرف کسانیکه مظلوم و بی کس باشند ، در صورت ارتکاب کوچکترین جرم مورد پیگرد قانون قرار گرفته و بیش از حد بر اینوع اشخاص ظلم و ستم تحمیل میگردد و اگر کسی پولدار و یا واسطه دار و قدرتمند باشد هیچکس و هیچ قانونی او را مورد پیگرد قرار نداده و خموشی اختیار می نماید .

در حالیکه در عصر طلایی حضرت عمر(ض) که عدالت بسر حد نهایی خویش رسیده بود ، در حین مسابقه اسب دوانی پسر والی وقت (عمر و بن عاص) پسر یک مرد عادی را غیر حق به سیلی می زند و پدر آن پسر بنا بر اعتماد که بر عدالت و دادگستری امیرالمؤمنین عمر(ض) داشته ،رنج و مشقت سفر را متحمل شده و خود را نزد امیرالمؤمنین از مصر تا مدینه رسانیده و موضوع را عرض می نماید .

حضرت عمر(ض) بعد از استماع بدون درنگ و معطلی والی مصر را با پسرش احضار فرموده، در ضمن اینکه از پسر والی قصاص می گیرد ، به والی خطاب نموده و می فرماید : از چه وقت مردم را برده و غلام خود ساخته اید در حالیکه مادرانشان آنها را آزاد بدنیا آورده اند!؟

این است عدالت و اینها اند مومنان حقیقی و پیروان راستین و بر حق رسول الله(ص) که در هیچ مقطع زمانی از خود ضعف نشان نداده و به نیرو و قوت ایمانی و روح عالی و مترقی در تمام میادین امتحان زندگی بتوفیق پروردگار موفقانه بدر آمده اند .

جای بس تأسف است که ظلم و ظالمی نه تنها از ناحیه دشمنان اسلام و طواغیت زمان به شکل آگاهانه اما مغرضانه به ملت های مسلمان دنیا و خاصتاً ملت مظلوم افغانستان تحمیل می گردد ، بلکه از سوی مسلمانان و کسانیکه در مسجد می روند و نماز می خوانند و روزه می گیرند، اما در خفا و ملا بر مظلومین جفا روا می دارند ، در حالیکه پیامبر اکرم(ص) فرموده است : **(ایها الناس اتقوا الظلم فان الظلم ظلمات یوم القیامه و اتقوا الشح فان الشح اهلک من قبلکم و حملهم علی ان سفکو دماء هم و استحلوا محارمهم)** (بخاری)

(ای مردم از ستم پرهیزید همانا ستم ظلمت (تاریکی) روز قیامت است و از بخل و حرص پرهیزید ، همانا مردمان پیش از شما را حرص هلاک کرد و آنان را واداشت که خون هم را بریزند و محارم یکدیگر را حلال بدانند )

روزی که حاکم و رعیت در یک حالت بودند و حضرت عمر(ض) در سال قحطی بر منبر فریاد زد که به خدا قسم سیر نخواهم شد، تا اینکه کودکان مسلمان سیر نشوند ، آنگاه عدل بر ظلم ، آزادی بر استبداد و رأی امت بر رأی

فردی برتری داشت و مسلمانان پیروز بودند، طور مثال: از ابن خلکان روایت است که در یک موضوع، حضرت علی (رض) و یک ذمی به عنوان شاکی و متشاکی به عدالت قاضی شریح حاضر شدند، قاضی برخاست و از حضرت علی (رض) استقبال نمود، بنا بر آن حضرت علی (رض) به قاضی گفت: این نخستین بی عدالتی تست.

اینجاست که با دیدن حالات فعلی مسلمین (ذلت، اسارت، محرومیت، رکود و سجد شدنشان در پای طواغیت عصر سید جمال الدین "افغان" خشمگین و دردناک می شود و زبان و قلمش شراره می کشد و دردناک و متالم می گوید: «من بر گذشتگان گریه می کنم بر آنها بانگ می زنم، کجائید ای گروه رحمت و صاحبان شفقت و مهربانی و چراغ های بر فرا راه مروت و قوت های شکست ناپذیر، کجائید ای بهترین امت که آفریده شده اید به خاطر رهنمایی و دعوت مردم..... آیا شما از درون قبرهای خود نمی بینید که اخلاف و بازماندگان تان در چه حالند؟!») و در جایی دیگر باز سید افغان فریاد می کند و می گوید: «ملعون و رانده شده از رحمت الهی همان کسی است که در دل بیمار است، به وطن خود خیانت می کند - ملعون همان کسی است که مردم خود را در برابر لذت های پیش پا افتاده می فروشد و به بیگانگان زمینه مداخله را در خانه و وطن اش فراهم می کند، چنین شخصی از انتساب به ملت حنفی (اسلام) بیرون است.»

در اداره سالم و نمونه و الگو که تنها و تنها اسلام عزیز به ارمغان آورنده آن است و شخصیت های معنوی و وارسته و یاران پاکدل رسول الله (ص) (اصحاب کبار) با احساس مسؤولیت ایمانی که داشتند نقطه به نقطه و قدم به قدم در همه حالات تطبیق کننده آن بودند. اگر دقیق شویم به احساس مسؤولیت حضرت عمر (رض) که می فرماید: «اگر بزغاله ای در کنار دریای فرات ضایع شود، من می ترسم که خداوند مرا بازپرسی کند» این حقیقت را علماً و عملاً با ثبات می رساند که تنها و تنها با رفتن و اقتدا کردن در خط پیامبر و تبعیت از دساتیر پیامبر بزرگوار اسلام امکان تأسیس ادارات سالم را که متضمن اقناع و ارضا باطنی و فطری کافه بشریت و کلیه جهانیان باشد، دارد و بس.

عبدالله بن مبارک می گوید: «سه طبقه دین را از حرکت و پیشرفت باز داشتند، پادشاهان ستمگر، علما سوء و پیران گمراه.»

در رابطه به علما سوء و کسانی که دین را وسیله دنیا می سازند و به محور منافع شخصی می چرخانند، سید جمال الدین "افغان" چنین ابراز نظر می نماید: «هر کسی که اندیشه های مردم را به اصول حقه دین باز گرداند، چنین دعوتگری نزد آنها طوری معرفی می شود که رزق و روزی تاجران دین را از میان بر می دارد، بناءً متهم به کفر و الحاد گردیده از صفوف دین بیرون رانده شده و به صفت رخنه افکن و رخنه وارد کن در دین شناخته شده و ناجوانمردانه بر ضد آن تبلیغ می گردد.....»

## ۷) اداره سالم و جدیت در تنفیذ قانون الهی :

در موضوع تطبیق حکم الله (ع) و جدی و قاطع بودن پیامبر اکرم (ص) در این راستا حدیثی که از حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها روایت شده مثال زنده را ارائه می دارد .

از حضرت عایشه ام المؤمنین روایت است که برای قریش مشکل بزرگ این بود که موقعیت و منزلت خانوادگی شان به خطر افتد . زنی از قبیله (مخزومی) که منسوب به اشراف همان منطقه بود، سرقت می نماید ، با خود می گفتند چه کسی در این مورد با رسول خدا سخن می گوید؟ چرا که کسی چنین جرئتی را ندارد و از طرف دیگر جاری شدن حد را همان خانواده بر خود توهین تلقی می نمودند ، تا اینکه اسامه بن زید در این مورد سفارش نمود و رسول خدا در پاسخ فرمود : آیا در مورد حدی از حدود خدا سخن می گوئید و برای جلوگیری آن شفاعت می کنید ؟ و آیا در برابر حدود خدا حایل می شوید ؟ و آنگاه پیا خاست و خطبه ای ایراد کرد و فرمود :

(اقوامی که پیش از شما نابود شدند و به هلاکت رسیدند، مشکل و عیب بزرگ کارشان

جز این نبود که چون اشراف و بزرگان شان مرتکب یک جرم یا دزدی و غیره می شدند با او کاری نداشتند و اما اگر ضعفا و بی چیزشان سرقت میکردند ولو به مقداری ناچیز ، حکم قانون را در باره اش اجرا می کردند و حد بر او جاری می ساختند ، اما به خدا سوگند که اگر فاطمه دختر محمد (ص) سرقت کند ، دستش را خواهم برید).

## ۸) اداره سالم و ترس مسؤلین آن از مسؤلیت ها :

مسلماً اداره سالم و نظام اجتماعی منزه و پاک از هرگونه فساد ، در رابطه به سپردن کار به اهل آن نهایت دقت بخرچ داده و به کسانی مسؤلیت تفویض میگردد که در این رابطه (گرفتن مقام و منصب) حریص نبوده ، بلکه از مسؤلیت گریزان باشند.

مثلاً: زمانیکه حضرت عباس عموی پیامبر بزرگوار اسلام خواهان یک وظیفه می شود ، پیامبر اکرم در پاسخ او می فرماید: ای عمو ! هر کسی در این رابطه ( گرفتن مقام و منصب ) حرص باشد ، ما هرگز صلاحیت امور را به او تفویض نمی نمائیم .

و یا اینکه حضرت عمر (رض) بنا بر فراست باطنی و درایت ایمانی و نورانیت قلبی اش می خواهد حضرت سعید بن عمیر (رض) را بحیث والی حمص مقرر کند - در جواب حضرت سعید می گوید که ای عمر ! مرا به فتنه می اندازی !؟.

از اینکه بنا بر معیار های قرآنی در رابطه به تعیین زعما و رهبران جامعه حضرت عمر (رض) او را شخص مناسب یافته و اظهار می دارد که هرگز از تو دست بردار نیستم تا اینکه این وظیفه را قبول نمائی و می افزاید : آیا در برداشت بار امانت و مسؤلیت مرا تنها می گذاری؟.



بهر صورت زمانیکه سفریه اش را تادیه میدارد و عادت حضرت عمر (رض) بر آن بود که والیان و یا غیره مسئولین را وقتیکه به وظیفه می فرستاد ، او را تا یک قسمت راه همراهی و مشایعت نموده و حین وداع و خداحافظی اینطور توصیه نموده می فرمود : از وسایل سواری متکبرانه ، از خوردن اطعمه لذیذ ، از پوشیدن لباس های فاخر و نازک و از بستن دروازه خود بروی حاجتمندان پرهیزید و الا مورد غضب خدا (ج) واقع خواهید شد. اینجاست که علامه اقبال لاهوری در مورد می فرماید :

سروری در دین ما خدمتگریست  
عدل فاروقی و فقر حیدریست  
و در جایی دیگری ندا سر میدهد :  
آن مسلمانان که میری کرده اند  
در شهنشاهی فقیری کرده اند  
در خلافت فقر را افزوده اند  
مثل سلمان در مداین بوده اند

سعد بن وقاص (رض) به عیادت حضرت سلمان فارس در حالیکه او در بستر مرگ قرار دارد ، می رود و می بیند که سلمان گریه دارد ، می پرسد : ای سلمان چرا گریه داری ، حضرت سلمان (رض) در پاسخ می فرماید : قسم به خداست که نه از ترس مرگ می گریم و نه محبت به دنیا دارم ، لیکن امانتی که بر گردن من بود ، ادا نموده نتوانستم ، اینک من از دنیا میروم و پیرامون من این همه اثاث است ، منظورش همان چیزهای عادی و مقدماتی زندگی است ، همچون کوزه گلی و سایر چیزهای بسیار ساده ... .

و همچنان حضرت سلمان (رض) می افزاید : که پیامبر خدا بما دستور داده بود که توشه هر یکی از شما از دنیا مانند توشه یک نفر مسافر باشد . ( **كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرٌ سَبِيلٍ** ).

پس بیائید با قضاوت عادلانه و دید وسیع و همه جانبه توحیدی و ایمانی خودمان و زعمای مانرا در هر سطحی که هستیم و هستیم ، با آن مبارکان مقایسه کرده و ببینیم به کسانیکه حتی در پوشش جهاد و مبارزه اسلامی شانس قدرت یابی و ثروت اندوزی میسر شده است ، چه ها که نمی کنند و در هیچ حدی از ثروت اندوزی توقف نمی نمایند پس آیا بدین حالات که ما داریم ، اداره سلیم تشکیل خواهد شد؟! و رحمت و نصرت خدا بر ما نازل خواهد گردید؟! جواب منفی است .

**۹) فساد اداری امروز نتیجه عدم پای بندی مسئولین به قوانین الهی و مداخلات خارجی ها**

:

با اظهار تأسف باید متذکر شد که امروز کاملاً قضیه بر عکس است ، اولاً کسیکه در رأس امور قرار می گیرد ، به چاپلوسی ، واسطه و حتی رشوه دادن و به دروازه های این و آن دوییدن و خود را ذلیل کردن ، منتهی بهر شکل و شیوه مشروع و یا غیر مشروع همان پست یا چوکی را بدست آوردن و از آن مدرک چاپیدن اموال مردم بیچاره و غریب را نمودن و سرمایه اندوزی کردن و به مقامات بالایی هم روابط پولی برقرار ساختن و رشوه و تحفه را بخاطر دوامداری همان وظیفه دادن و حتی گزنتی و ضمانت آنرا با خود کسب کردن باشد.

جای بسیار شرم است که امروز از فساد اداری که در وطن ما مروج است و معمول گشته ، مردمان غیر مسلمان هم داد می زنند و دشمنان اسلام بخاطر براءت دادن خود سروصدا پخش می نمایند ، در حالیکه زیادتیر فساد اداری و حتی براه اندازی فواحش و ایجاد بی بندوباری ها (بنام دموکراسی غربی) به آنها برمیگردد و دخالت علنی و مخفی آنها به توضیح گرفته شده و به اثبات میرسد . به هر شکل فعلاً در کشور ما اداره سلیم ، از یکطرف از اثر ضعف و رکود ایمانی خودمان و از جانبی هم دست اندازی اغیار و دشمنان اسلام و مسلمین که خود را می خواهند در لباس دوستی محیلانه پنهان نموده و مغرضانه اهداف پلید و نامیمون شان را برآورده سازند ، وجود ندارد . رسول الله (ص) فرمودند : **(من ارضی سلطاناً بما یسخط ربه خرج من دین الله)** "کنزالاعمال"

ترجمه : کسیکه بخاطر رضای حاکمی سخن گوید که باعث ناراضی شدن خداوند گردد ، او از دین خداوند بیرون شده است.

و فرمود: به این زودی کسانی بر شما حاکم خواهند گردید که روزی شما در دست آنان باشد ، آنها هنگامیکه با شما سخن می گویند دروغگویی میکنند و اگر کاری انجام می دهند به فساد دست می زنند ، آنها از شما خوشنود نمی شوند تا از مفاسد آنها تعریف و ستایش نکنید و از کذب آنان تصدیق نکنید ، پس شما حق را به آنها تقدیم کنید تا وقتیکه آنرا عملی کنند ، سپس اگر آنها بر شما تجاوز کنند و شخصیکه بدست آنها کشته شود ، شهید است . "کنزالاعمال"

حضرت علی (رض) حضرت قیس را به عنوان والی مصر گماشت و فرمانیکه در این زمینه به عنوان مردم مصر فرستاد ، حاوی این مطالب بود:

و آگاه باشید شما بر ما حق دارید که ما مطابق کتاب خدا و سنت پیامبرش ایفای خدمت کنیم و معاملات شما را طبق حق مقرر کرده خداوند حل و فصل نمایم و سنت پیامبرش را نافذ سازیم و در غیاب تان با شما خیرخواهی کنیم ، حضرت قیس بن سعید پس از قرائت این فرمان در اجتماع مردم ، اعلام کرد که اگر ما از همین طریق با شما برخورد نکردیم ، بیعتی از ما بر شما نیست.

**۱۰) چرا افراد صادق و دلسوز به انزوا کشانیده می شوند؟**

جای تردید باقی نمی ماند که اشخاص با شخصیت و دلسوز به میهن و ملت و شخصیت های شریفی که از نظر عقیده و ایمان بخواهند کار نمایند ، فعلاً برای همچو اشخاص زمینه کار نامساعد بوده و اگر در جایی هم کار نمایند به صدها توطئه و دسیسه برمی خورند و ناچار می شوند که خود را از این نظام که کاملاً فاسد شده است و انسان نما های گرگ صفت در رأس امور قرار گرفته اند ، کناره نمایند ، چرا که با گناه آلوده می گردند و در میان صدها گرگ یک گوسفند بی گناه چه خواهد کرد؟ و سرانجام سرنوشت او چه خواهد شد؟ از اینکه گرگان درنده خو محیلانه در لباس انسانیت خود را جا زده اند ، لهذا به چند نفر انسان صادق و باوقار که تملق ، چاپلوسی ، رشوه ستانی و رشوه دهی هم از دست شان بر نیاید ، خواهی نخواهی در برابر توطئه و دسیسه و تهاجم تعداد کثیری از پیروان شیطان قرار گرفته و در نتیجه سرکوب می گردند.

بجاست تا حدیث شریف را که رابطه به موضوع دارد و ثابت کننده آنست که در زمان فتن (عصر آخرالزمان) اشخاص شریر و رذیل در رأس اجتماع قرار می گیرند ، تذکر دهیم:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا تَخَذَ الْفِيءُ دَوْلًا وَلَا مَانَةً مَغْنَمًا وَالزَّكَاةَ مَغْرَمًا وَتَعْلَمَ لِغَيْرِ الدِّينِ وَأَطَاعَ الرِّجَالَ أُمَّهاتَهُ وَعَقَامَهُ وَادْنَى صَدِيقَهُ وَأَقْصَى أَبَاهُ وَظَهَرَ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ وَسَادَ الْقَبِيلَةَ فَاسْقَهُمْ وَكَانَ زَعِيمَ الْقَوْمِ ارْذَلَهُمْ وَكَرَّمَ الرَّجُلَ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَظَهَرَ الْقَيْنَاتُ وَالْمَعَازِفُ وَشَرِبَتِ الْخُمُورُ وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا فَلْيُرْتَبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرًا وَزَلْزَلَةٌ وَخَسْفًا وَمَسْخًا وَقَذْفًا وَآيَاتُ تَتَابَعُ كَنْظَامِ بَالٍ قَطَعَ سَلَكُهُ فَتَتَابَعُ بَعْضُهُ بَعْضًا . (رواه الترمذی)

از حضرت ابو هریره (رض) مروی است که رسول الله (ص) فرمودند:

هنگامیکه مال غنیمت را دولت شخصی ، امانت را غنیمت و زکوة تاوان پنداشته شود ، علم دین برای دنیا طلبی آموخته شود ، مرد اطاعت همسر خود و و نافرمانی والده را آغاز نماید، دوست را قریب دارد و پدر را دور کند ، در مساجد شور و غوغا ظاهر شود ، سردار قبیله بدترین شخص از ایشان قرار گیرد و زعيم (بزرگ و اختیار دار) قوم رذیل ترین ایشان شود ، عزت انسان شریر از جهت ترس و خوف او کرده شود ، زنان مغنیه (آوازخوان) و ساز و سرود بطور عام رواج شود . بکثرت شراب نوشیده شود ، مردم آخری این امت بر مردمان پیشین لعنت را شروع نمایند پس در این وقت انتظار نمایند باد سرخ را ، زلزله را ، فرورفتن به زمین را ، مسخ صورتهای را و چنین نشانات قیامت پی در پی طوری خواهد آمد ، مانند اینکه رشته حمایل کسی قطع شود و دانه آن پی در پی بریزد .

## ۱۱) اداره سالم و ضرورت به انقلاب :

بناءً ایجاب می نمایند تا انقلاب و دگرگونی آنهم دگرگونی کیفی بایست به ظهور بیوند و مردان وارسته و شخصیت های مؤمن و سلیم و خودآگاه و عامل و مخلص در راس رهبری این انقلاب قرار گیرند ، چرا که انقلاب اسلامی شامل و فراگیر بوده و از تغییرات و دگرگونی انسان در جهت مثبت آغازیده و به سلامت اجتماع ختم میگردد،

یا به عباره دیگر در دیگر مکاتب غیر اسلامی خوشبختی و سعادت و رفاه و امنیت را در اقتصاد و غیر آن می دانند اما در مکتب اسلام زیربنا و اساس سعادت و خوش کامی های بشریت را در خود انسان و ساختار شخصیت انسان و تعلیم و تربیت دقیق او مبنی بر تقویه روحانیت و کمال ایمانی تثبیت گردیده یعنی در حقیقت اسلام عزیز بطور عمیق و دقیق توجیه گر تمامی منابع اقتصادی ، تخنیکی و همه داشتگی های مادی و معنوی ، خود انسان را دانسته و خاصاً که در رأس زعامت و سازماندهی و رهبری قرار داشته باشد.

اگر انسان سلیم و خود شناس و خداشناس و دشمن شناس و همچنان عامل و مخلص در رأس رهبری یک اداره قرار گیرد ، بدون شک همان اداره شفاف و سلیم شده و از هرگونه معایب و جنایات ظاهری و باطنی پاک گردیده و کارها در آنجا بدون نظرداشت های مادی و مغرضانه طوری بی آلايشانه و عاری از هرگونه تکبر و خود بزرگ بینی و تعطیلی پیش برده میشود. در غیر آن اگر یک شخص استفاده جو و عاری از شخصیت معنوی و کمالات روحی در سمت رهبری یک اداره (چه کوچک یا بزرگ) قرار گیرد آن اداره بدون شک معیوب گردیده و انواع فساد در آنجا بیداد خواهد کرد.

چنانچه سید قطب (رح) می گوید : (همین حقیقت ضامن آن است که ما راه خود را در دعوت مردم بسوی اسلام مشخص سازیم ، چنان که از پیش نیز همین نکته خط سیر و برنامه دعوت اسلامی را در موجودیت تاریخی آن تعیین نموده است.

پیامبر خدا محمد (ص) دعوت خود را آغاز نمود و پس از آنکه گروهی به وی پیوستند و اسلام را پذیرفتند ، بلافاصله دعوت خود را در چهارچوب یک قانون سازمان دهنده در شکل یک زمامدار تکمیل نمود. پیامبر اسلام کار قیصر را به قیصر و کار خدا را به خدا واگذار نمود ! برای آنکه اسلام همه چیز را برای خدا می خواهد و از آن خدا میداند و قیصر را وقتی به رسمیت می شناسد که قانون الهی را اجرا کند و زندگی را مطابق برنامه خدایی اداره نماید).

## ۱۲) نظام سالم در تأمین عدالت اجتماعی ، امانت داری و مثال های زنده آن :

نظام و اداره سالم که فقط ایجاد آن در پرتو حقایق قرآنی و دساتیر سیــــــــــــــــــــــدنا حضرت محمد (ص) امکان پذیر است و بس . همه خوبی ها ، عدالت اجتماعی ، تقوا ، ترحم ، گذشت ، ترجیح دادن منافع دیگران بر منفعت خود و سایر ایثار گری ها را احتوا می نماید.

طور مثال: عدالت عملی و حقیقی را در مورد برخورد حضرت علی کرم الله وجهه و آن غیر مسلمان که زره حضرت را دزدیده بود ، به تحلیل می گیریم . که همانا حضرت علی (رض) با وجود دانستن صد در صد مبنی بر اینکه زره او را آن مرد دزدیده است . با وجودیکه امیرالمؤمنین است اما به زور متصل نمی شود ، چرا که اسلام منطق پیامبری است نه زورگویی و سلطه جویی و خود کامگی و تاخت و تاز بر سر این و آن و سرمایه اندوزی های بی جا و قدرت طلبی و یا اینکه جنگ و جنجال بخاطر کسب آن، بلکه نزد قاضی شریح که خودش او را مقرر کرده می رود

و دادخواهی می کند ، آن قاضی مسلمان و بحقیقت رسیده از امیرالمؤمنین سوال میکند آیا کدام اسناد در این رابطه داری ؟ حضرت می فرماید : اسناد و شهود ندارم ، اما صد در صد به یقین می دانم که زره مال من است و قاضی به آن مرد غیر مسلمان می گوید: در برابر ادعای امیرالمؤمنین چه میگوئی ، آن مرد می گوید: امیرالمؤمنین راست می گوید ، اما زره مال خودم است ، قاضی به نفع همان کس که هنوز مسلمان نیست فیصله می کند.

اینجاست که از اثر دیدن این منظره نهایت زیبا که دربردارنده حق و عدالت است، وجدان همان شخص به فغان آمده و مسلمان میشود.

این است حق و این است عدالت اجتماعی و این است بازگو کننده عملکرد های سلیم تربیت یافتگان برحق مکتب قرآن و مدرسه نبوی که در حین قدرت و خلافت کوچکترین و کمترین بی عدالتی را روادار نیستند و بر هیچ کس ظلم روا نمی دارند، گرچه مسلمان هم نباشد.

در زمان خلافت حضرت عمر بن خطاب به فتح مداین که مملو از گنجینه های کسری است دقیق شویم : آنان تمام گنجینه های کسری را آوردند و در مسجد گذاشتند، عمر (رض) به آن نگاهی کرد و انگشتی را با نگیب کوچکی از زبرجد ملاحظه نمود و گفت: ملتی که این ها را به من بازگرداندند امانت دار هستند، علی بن ابی طالب (رض) به او نگاهی کرد گفت: ای امیرالمؤمنین عفاف و خویشتن داری پیشه کردی ، آنان نیز چنین کردند و اگر تو سوء استفاده می کردی آنان نیز چنین می کردند (استفاده جویی غیر مشروع) می نمودند.

اسلام در آسیا بیشتر بوسیله امانت داری انتشار یافته نه به زور شمشیر آن گونه که بعضی ها می گویند ، تاجران صادق و امانت دار باین کشورها می آیند ، گران فروشی نمی کنند، عیوب مال شان را به توضیح می گیرند ، فریب کاری و نیرنگ بازی نمی نمایند ، مسلماً در این صورت وجدان ملت ها به آنها و عملکرد های سالم آنها جذب گردیده و می پرسند که این تاجران صدیق و راستگو و امانت دار و هدفمند را کدام دین پرورش نموده است و همان دین (اسلام) که اینگونه انسان ها را می سازد ، حقانیت اش را باثبات می رساند و قلوب مردم را تسخیر می کند و رسول الله (ص) می فرماید : (التاجر الصدوق الامین مع النیین والصدیقین والشهداء والصالحین) تاجر راستکار و امانت دار در (روز حشر) همراه پیامبران ، صدیقین و شهدا و صالحین می باشند و حشر می شوند.

اما با تأسف باید گفت که اگر عملکرد های سالم و شایسته آن تاجران مسلمان ، امانت دار و هدفمند دیروز حتی مردمان غیرمسلمان را بطرف اسلام دعوت کرد و وجدان و قلوب آنها در اثر اعمال زیبای اسلامی آن تاجران مسخر شده و به اسلام تسلیم گردید ، اما اعمال نابجا و نامرغوب و غیر مسؤلانه و دغا و دغل و فریب و خدعه همراه با گرانفروشی تجار امروز عده از مسلمانان را هم از اسلام بی باور ساخته و جوانان را مأیوس می سازد !!؟

البته تاجران هدفمند و با ایمان و با احساس از این امر مستثنی اند که تعدادشان بسیار کم و انگشت شمار می باشند ، چنانچه رسول خدا در رابطه می فرماید: (التَّجَارُ فُجَّارًا إِلَّا مِنَ التَّقَىٰ ۗ وَ بَرٍّ وَ صَدَقٍ) باین مفهوم، تجاری که

در راه خدا انفاق نکند و تقوای را پیشه نسازد و راستگو و امین نباشد (عیب های مال خود را بیان ندارد و گران فروشی نماید) در زمره فساق و فجار می باشد.

دقت کنیم که تجار ما امروز چه ها نیست ، که بر ضد فرهنگ اسلامی و دین مان دانسته و یا نادانسته انجام نمی دهند؟ و در خدمت استعمار و دشمنان اسلام قرار می گیرند و با وارد ساختن کالاهای تجملی و تزئینی و نا کارآ چگونه باین ملت مظلوم و بیچاره ظلم روا می دارند و فقط در پی بدست آوردن منافع شخصی خود بوده و کدام نیت خوب هم غرض خدمتگاری باین دیار مردخیز اما غریب نداشته و به آسیاب دشمن در اثر عملکردهای غیرانسانی و غیراسلامی شان آب می ریزند و به عوض تأسیس فابریکات خورد و یا کلان که مردم بیکار ما در آنجا مصروف کار گردند به اعمار هتل های رقص و پایکوبی به دین زدایی و فرهنگ زدایی مشغول شده تا در نتیجه قهر و غضب خدای لایزال و قهار را به آغوش کشیده و پذیرایی خواهند کرد.

### ۱۳) بشریت دور از حق و صدای وجدان آنها:

ای کسانی که مزورانه از حق و عدالت و حقوق بشر حرف می زنید ، بفرمائید یک نمونهء صدها بار کمتر بمقایسه این الگو های انسانیت و حقانیت و ستاره های درخشان هدایت (پیروان راستین مکتب محمدی) بیاورید!؟ هرگز آورده نمی توانید و تاقیامت هم اینچنین ناکام خواهید بود.

پس بیائید وجدان انسانی خود را بیدار و زنده ساخته و قضاوت فطری و طبیعی تان را که خدای متعال و عادل مطلق به کافه اولاد آدم از ابتدا خلقت بدون کوچکترین تبعیض ، مسلمان یا غیر مسلمان طور موهوبی اعطا فرموده است ، طور عمیق و دقیق بکار انداخته ، بدون شک روزنه از روزنه های هدایت خداوندی آنگاه در قلوب تان باز گردیده و نور تابناک توحیدی در آنجا سیر نموده و از تشعشع آن ، دستیابی و دسترسی به حق و حقیقت و عدالت اصلی و حقیقی که فطرتاً و باطناً خواهان همچو خوبی ها و سعادت هستید ، پیدا می نمائید.

چرا که همه انسان ها از یک پدر و مادر (آدم و حوا علیهم السلام) خلق گردیده و کافه بشریت وجداناً و باطناً خواهان همان حقیقت اند که فطرت شان خواهان آن است و بخاطر آن فغان ها دارد و با وجود کاوش کوه ها فرورفتن در بحر ها و پرواز در آسمان و گردش در زمین ، آن خواسته های اصلی و فطری شما ارضا نگردید ، چنانچه مولانا جلال الدین "بلخی" (رح) درین رابطه می گوید:

بشنو از نی چون حکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند

از نیستان تامرا بریده اند

از نفیرم مرد و زن نالیده اند

## هرکسی کو باز ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

اما در صورت پذیرفتن حق و رفتن در مسیر حق و عمل کردن بدستورات حق شما گمشده خود را پیدا می‌نمائید و به سعادت دلخواه تان متصل می‌گردید، آنگاه در برابر ظلم ظالمان و استعمارگری استعمارگران و هجوم وحشیانه طاغوتیان و کشتار و خون ریزی‌های بیچارگان از طرف زورمندان خشم می‌گیرید و به تنفر شدید به آنها می‌نگرید و آنگاه این دلسوزی به شما در برابر نوع انسان پیدا خواهد شد که چرا اولاد بشر به طرف ضلالت سیر می‌نمایند؟ و چرا با همه ناآرامی زندگی خود را سپری می‌نمایند؟ و بخاطر کدام مشکل و عدم رشد کدام جوهر در انسان است که با همه ادعای دانستن و دستیابی به قله‌های رفیع تمدن و ترقی و پیشرفت‌های تخیلی دست به خون ریزی‌ها و تباهی‌های جبران‌ناپذیر زده و دیده و دانسته خود و دیگران را به پرتگاه نابودی رسانیده‌اند؟! در حالیکه ذوات شریف که از نور معرفت قلوب شان نورانی و از بینش ایمانی دیدشان وسعت پیدا کرده است، همه اولاد بشر را اعضای یکدیگر خوانده و در راه نجات بشریت راه گم و مغلوب الشیطان بنا بر دلسوزی که دارند تلاش می‌ورزند. چنانچه عارف مشهور جهان اسلام سعدی علیه الرحمه می‌فرماید:

بنی آدم اعضای یکدیگر اند  
که در آفرینش ز یک گوهر اند  
چو عضوی بدرد آورد روزگار  
دیگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بیغمی  
نشاید که نامت نهند آدمی

مسلماً بدین نتیجه می‌رسیم که: (حس احترام، کرامت نفس، صفات عالیه و تمسک به قوانین اخلاقی و خلاصه آنچه که لازمه روح شریف انسانیست، محال است با بدبیتی خدانشناسی در آدمی پرورش یابد، بدون ایمان تمدن نابود می‌گردد و نظم و ترتیب مختل می‌شود و اهریمن بدکار بر عالم چیره می‌گردد، پس بیائید در عقیده خود به ذات اقدس او جل جلاله راسختر شویم، خدا را بپرستیم، به همنوعان خویش مهر بورزیم، به ارزشهای اعتقادی عمل نمائیم، آن وقت است که ما شایسته توجهات و عنایات او جل جلاله واقع خواهیم شد.)

**۱۴) راه نجات کافه بشریت از بحران‌ات فکری و تأسیس اداره سلیم فقط و فقط رفتن آگاهانه**

**علمی و عملی در مسیر خط و مش پیامبر خداست و بس:**

همانا اداره سلیم و انسانی و دور از هر نوع بی عدالتی ها و فارغ از هرگونه ظلم و ستمگری و استعمارگری ها و منزه و پاک از انواع مختلف غارتگری و چپاول و استفاده های ناجایز، زمانی میسر شدنی خواهد بود که زعما و رهبران همان نظام و اداره « از اسلام به عنوان پوششی برای تبلیغات دروغین استفاده نکرده ، بلکه از آن به عنوان سپری نیرومند برای مبارزه در راه حق و عدالت بسط آزادی و برتری ( و حاکمیت نظام واقعی اسلامی ) بهره برداری نمایند. اینها عقیده دارند ، کسانی که فقط متظاهر به اسلام هستند و در عمل از آن دور می باشند و کسانی که بنام دین به تجارت پرداخته اند و کسانی که از طریق بازی با اصول دینی نان می خورند همه و همه ، مانند کف دریا هستند که موجی آید نابود می شوند.»

بناءً اداره و نظام سالم و عاری از آفات معنوی و جنجال های فتنه برانگیز مادی هنگامی به ظهور خواهد رسید و سیطره و نفوذ خود را مبنی بر تأمین عدالت ، برادری و برابری و یکرنگی و بدون هرگونه تبعیضات نژادی ، قومی ، لسانی و منطقوی پهن خواهد ساخت که معیار برتری و فضیلت تقوا باشد ( اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰۤی كُمْ ) و از خط و مش ناچی حقیقی و اصلی بشریت (پیامبر آخرالزمان حضرت محمد صلی الله علیه و سلم) علما و عملاً الهام گرفته شود و زعما و رهبران آن جامعه طبق دستورات آنحضرت (ص) که به مسئولین امور دستور می داد: (اگر مردم گرسنه باشند ، شما نخستین فرد گرسنه باشید و اگر مردم سیر باشند ، آخرین فرد سیر باشید) خود را عیار سازند، یا طوریکه حضرت عمر (رض) در سال قحطی بر منبر فریاد زد که به خدا قسم سیر نخواهم شد تا اینکه کودکان مسلمان سیر شوند. همانگونه رهبران و زعمای اینگونه ادارات بایست در برابر هواجس نفسانی (خواسته های نابجای نفس) آگاهی دقیق و شناخت علمی و تحلیلی از دیدگاه اسلام داشته و در مقابل آن مبارزه دوامدار نمایند ، خود را خدمتگذار مردم و ملت دانسته نه اینکه بدار و سردار ، شیطان و وسواس آنرا از یاد نبرده و همیشه مراقب و مواظب حالات باطنی خویش باشند.

در برابر حُب دنیا و حُب جاه و جلال دنیوی مجاهده دوامدار نمایند (حُبُّ الدُّنْیَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ) ، و احساس مسؤلیت طوری در باطن شان زنده و بیدار باشد که هر آن و هر لحظه خدا جل جلاله را در خفا و ملا حاضر و ناظر دیده و غرض خوشنودی او تعالی از هیچگونه سعی و تلاش در جهت خدمت خلق الله و تأمین عدالت دریغ نوزیده و همواره سعی و کوشا باشند و از خداوند جل جلاله طلب نصرت و مدد نمایند و عدالت را پیشه خود سازند ( اِعْدِلُوْهُوَ اَقْرَبُ لِقَوٰی ) تا باشد در روز حشر شرمنده و روی سیاه بر نخیزند و آنهم در صورتی کمایی خواهد شد که تشخیص جهت شان بطرف خدا جل جلاله تثبیت گردد و آگاهانه و مخلصانه و با نیت صاف در جهت اعلائی کلمه الله کوشا باشند و مطابق نصب العین و اهداف بلند معنوی شان از وظایف دنیوی هم استفاده اعظمی در راستای دین و دینداری و بزرگ جلوه دادن اسلام مبنی بر اینکه حاکمیت بر حق نظام اسلامی رافع کلیه حواجی انسانی و معضلات بشری و گشاینده تمامی گره ها و دشواری های انسانی بوده و هست و خواهد بود ، نمایند.



پروردگارا! ما را و کافه مسلمین و حتی کلیه بشریت را در جهت معنویت و صفائیت و نزدیکی و تقرب به ذات اقدس طوری مسیر دهی تا بتوانیم با شناخت دقیق نفس و شیطان و پشت پای زدن به آلائشات دنیوی همان راهی را برویم که پیامبرت رفته و همان اداره را تأسیس نمایم که دوستان برحقت (اصحاب کبار) ترسیم فرموده و عملاً با جوانمردی تمام و ایمان خلل ناپذیر بنیان گذاری فرموده اند و ما و همه مبارزین و دعوت گران فی سبیل الله را از این بدنامی ها، رشوه و رشوه ستانی ها و اتلاف حقوق بندگان خدا بدور داشته و در جوار رحمت محصور و از تمامی نیات و اعمال و اقوالی که سبب دوری ما از ذات پاکت شود، بفضل و مهربانی خاصت محافظت فرما و در برابر شیطان و وساوس آن که همه بشریت را تباه ساخته است، به ذات مقتدر و توانا و عزیز و با حکمت تو (ج) پناه برده و استعانت می جوئیم و خوب می دانیم که اگر فضل و رحمت حضرت ذولجلال و الاکرام تو جلّت عظمت شامل حال ما نشود، همگی در خسران خواهیم بود، چنانچه حبیب رسول الله (ص) می فرماید: (لَا يُدْخِلُ أَحَدَكُمْ عَمَلَهُ الْجَنَّةَ وَلَا يُجِيرُهُ مِنَ النَّارِ وَلَا أَنَا إِلَّا بِرَحْمَةِ اللَّهِ) که هیچ یکی از شما از نگاه عمل تان نه به بهشت داخل می شوید و نه هم از دوزخ نجات می یابید و نه من، مگر به رحمت او تعالی (ج).

حبیب برحقت که خود او را به ستایش گرفته ای (انک لعلی خلق عظیم) تشویش می نماید و به رحمت ذات پاکت پناهنده می شود، پس ما سیاه رویان و گنهکاران چه خواهیم بود؟! به قول بیدل (ج):

من همان مشت غبارم که بجائی نرسد  
لاله از تست و نم ابر بهاری از تست

## منابع و مأخذ

- قرآن پاک
- احادیث (بخاری، مسلم، ترمزی و مشکوٰه)
- شمشیربران - اشراک و بدعات دوران: حضرت مولانا محمد عمر نقش بندی مجددی
- کتاب الاربعین: امام محمد غزالی (رح) - ترجمه: برهان الدین "حمدی"
- خلافت و ملوکیت - فصل سوم خلافت راشد و ویژگی های آن: الامام ابوالاعلی مودودی
- اخلاق و تربیت در اسلام (مجموعه مقالات): سید قطب (رح)، مترجم: روح الله "مازندرانی"
- ما چی میگوئیم؟: سید قطب (رح)، مترجم: سید هادی خسروشاهی
- مقدمه جام یا میگراول: الداعی الی الله مولانا محمد عطاو الله صاحب "فیضانی"



### بیوگرافی مختصر نویسنده ( انجنیر محراب الدین "جویا"):

محراب الدین "جویا" فرزند مرحوم غلام سخی خان باشنده قریه گدالی قاصان ولسوالی ده صلاح اندراب ولایت بغلان در سال (۱۳۶۳) از فاکولته انجنیری کابل بسویه فوق لیسانس از رشته برق فارغ گردیده است که البته تحصیلات ابتدائی را در متوسطه قاصان اندراب و دوره لیسه را در تخنیک ثانوی کابل از صنف نهم تا دوازده پایان رسانیده است. بنابر علاقمندی پدر بزرگوارش که یک شخصیت متدین و علاقمند به خدمت

گذاری مردمش بر مبنای عقیده و ایمان بود، در پهلوی دروس فاکولته و مکتب علوم دینی را نیز طور خصوصی به پیش برده است و بعد از فراغت مدت کمی بحیث آمر فابریکه آسیاب سیلوی پلخمیری ایفای وظیفه داشته و بنابر تعقیب امنیت دولتی رژیم کمونیستی آنوقت که فقط به جرم مسلمان بودن و نماز خواندن میخواستند وی را دستگیر و راهی زندان

نمایند فرارنموده و همراه مجاهدین پیوسته و بعد از مدتی راهی دیار هجرت به پاکستان شدند چرا که دژخیمان کمونیست در حین ادامه تحصیل نیز موصوف را مورد تعقیب قرار داده و مدت کمی بازداشت نموده بودند.

### وظایف جهادی:

- بحیث یک سرباز اسلام (مجاهد)
- منشی فکری جوانان ولایت بغلان
- مسئول فرهنگی ماورای کوکچه
- استاد در مکاتب جهادی

### وظایف دولتی:

- آمر فابریکه آسیاب سیلوی پلخمری ولایت بغلان
- رئیس سیلوی پلخمری
- رئیس سیلوی مرکز - کابل
- رئیس نساجی پلخمری
- رئیس برق غوری ولایت بغلان
- استاد در پوهنتون و تربیه معلم ولایت بغلان طور افتخاری
- رئیس برق ولایت تخار
- رئیس برق ولایت بامیان
- رئیس برق ولایت سمنگان
- استاد در تحصیلات عالی و تربیه معلم ولایت سمنگان طور افتخاری

### وظایف غیر دولتی:

- تیم لیدر و انجنیر در دفتر افغان اید مقیم پشاور و سفرها در داخل مناطق مجاهدین
- فیلد اسیستانت در دفتر (UNHCR) کندز (کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان)
- پروگرام اسیستانت در (WFP) کابل (پروگرام غذایی جهان)

### آثار طبع شده:

- افغانستان در چه حالی؟
- اسلام ارتقا دهنده تحول مثبت سیر فکری انسان و نگهدارنده آن از جهل و پریشانی

- مقالات از مشاهده دردهای عینی اجتماعی
- گوشه از پیام حج
- مردان وارسته (جلد اول)
- طلوع نورپرفروغ توحید الگوآفرین ویأس زدای
- مقالات در جراید اتحاد بغلان- تخار- بامیان وسایر جراید
- مقالات در مجلات تکبیر- استقامت و وکالت
- مطالب در جریده تفکر اکادمی علوم افغانستان
- مضامین در هفته نامه فجر نشریه کانون فرهنگی شهید عبدالقادر "توانا"
- نفاق وعوامل آن

### آثار که آماده چاپ است"

- مردان وارسته (جلد دوم)
- اداره سالم ازدیدگاه اسلام
- تشکل شخصیت معنوی انسان
- درانتظار نور
- فریاد وجدان

### انتشار دروس وپیام ها به شکل رسانه ای وتصویری از طریق:

- تلویزیون ملی افغانستان - کابل
- تلویزیون نور- کابل
- تلویزیون ملی بغلان
- تلویزیون ملی سمنگان
- رادیو محلی بغلان
- رادیو حقیقت ولایت سمنگان وسایر رسانه ها (سمعی وبصری)

## در پشت کتاب درج گردد

ای کسانی که مزورانه از حق و عدالت و حقوق بشر حرف می زنید ، بفرمائید یک نمونهء صدها بار کمتر بمقایسه این الگوهای انسانیت و حقانیت و ستاره های درخشان هدایت (پیروان راستین مکتب محمدی) بیاورید!؟ هرگز آورده نمی توانید و تاقیامت هم اینچنین ناکام خواهید بود.

پس بیائید وجدان انسانی خود را بیدار و زنده ساخته و قضاوت فطری و طبیعی تان را که خدای متعال و عادل مطلق به کافه اولاد آدم از ابتدا خلقت بدون کوچکترین تبعیض ، مسلمان یا غیر مسلمان طور موهوبی اعطا فرموده است ، طور عمیق و دقیق بکار انداخته ، بدون شک روزنه از روزنه های هدایت خداوندی آنگاه در قلوب تان باز گردیده و نور تابناک توحیدی در آنجا سیر نموده و از تشعشع آن ، دستیابی و دسترسی به حق و حقیقت و عدالت اصلی و حقیقی که فطرتاً و باطناً خواهان همچو خوبی ها و سعادت هستید ، پیدا می نمائید.

چرا که همه انسان ها از یک پدر و مادر ( آدم و حوا علیهم السلام ) خلق گردیده و کافه بشریت وجداناً و باطناً خواهان همان حقیقت اند که فطرت شان خواهان آن است و بخاطر آن فغان ها دارد و با وجود کاوش کوه ها فرورفتن در بحر ها و پرواز در آسمان و گردش در زمین ، آن خواسته های اصلی و فطری شما ارضا نگردید اما در صورت پذیرفتن حق و رفتن در مسیر حق و عمل کردن بدستورات حق شما گمشده خود را پیدا می نمائید و به سعادت دلخواه تان متصل می گردید.

از متن کتاب